

# کانون وکلا

سال دوازدهم

مرداد و شهریور ماه ۱۳۳۹

شماره ۷۳

محمد جهانشاهی  
وکیل دادگستری

## بیمه از نظر حقوق مدنی

«۱۷» (۱)

قانون بیمه گر را مسئول خسارت شناخته ولی معین نکرده که تا چه اندازه ضرر را باید جبران نماید.

بعبارت اخری حداقل آنرا تعیین ننموده است و حال آنکه حداکثری برای آن قائل شده است و لذا مطابق این قانون کمترین خسارت مادی بیمه گذار قابل مطالبه میباشد و خسارات غیر مادی را نمیتوان بعهده او گذاشت:

مثلاً بیمه گذار بگوید بر اثر طوفانی که در دریا اتفاق افتاد بیشتر از هر خسارتی اوترسیده است و از این باب وجهی مطالبه کند این مطالبات بی اصل که بیمه گر مسئول آنها نمیشد و با مطالبات جزئی که قابل مطالبه نیست و در بیمه نامه بر قرار میشود با اسم معافیت: « Lafranchise » موسوم شده است.

گر چه قانون ایران این معافیت را برای بیمه گر قائل نشده است ولی نظر باینکه غالباً بعضی مخارج برای ترمیم موضوع بیمه پیش میآید که مقدار آن ناچیز و جزئی است و از طرف دیگر هر روز بیمه گذار میخواهد مخارجی و مبالغی به بیمه گر اظهار کرده مطالبه نماید.

چون این امر مخل امور بیمه گر میشود و غالباً هم بیمه گذاران ممکن است اظهارات خلاف واقعی بنمایند و پس از مدتی یک صورت خسارت به بیمه گر ارائه کرده تقاضای تأدیه آنرا کنند پیش بینی این موضوع و تعیین حداقل خسارت لازم بنظر میرسد.

## بیمه از نظر حقوق مدنی

معمولاً در بیمه نامه‌ها میزان آنرا بنسبت مبلغ بیمه شده معین میکنند چنانکه ماده ۴۰۸ قانون تجارت فرانسه بیمه‌گر را در بیمه‌های بحری تا یک درصد مبلغ بیمه شده معاف از جبران خسارت میداند ولی معمولاً بیمه‌نامه‌ها معافیت‌های مختلفی قائل میشوند و همچنین بیمه‌گر مسئول عدم‌النفع یعنی منافع احتمالی نیست.

حال اگر در بیمه‌نامه مقرر شده باشد که بیمه‌گر مسئول خسارات کمتر از یک درصد مبلغ بیمه شده نمیشد باید در صورت بروز حادثه و توجه خسارت دید که آیا بیمه‌گر باید تمام خسارت را پردازد یا فقط مازاد معافیت را تأدیه کند.

مثلاً کشتی یا کالائی که ارزش آن ۱۰۰,۰۰۰/- ریال است و بهمین مبلغ بیمه شده است و برای بیمه‌گر صدی یک معافیت برقرار گردیده حال اگر یک حادثه بروز کند بدیهی است اگر نتیجه خسارت از ۱,۰۰۰ ریال تجاوز نکند بیمه‌گر مسئولیتی نخواهد داشت ولی هرگاه خسارت مزبور به ۱۵,۰۰۰ ریال بالغ گردید آیا بیمه‌گر باید بتمام این مبلغ را پردازد یا فقط مازاد ۱,۰۰۰ ریال یعنی ۹,۰۰۰ ریال را؟

در غالب ممالک رویه دوم معمول است این طریقه منطقی فقط دارای فائده است و آن اینست که مخالف نفع بیمه‌گذار در تشدید و توسعه خسارات است.

بعضی معافیت‌های دیگر نیز یافت میشود که برای بیمه‌گر مضر میباشد مثل اینکه قرارداد شود بیمه‌گر وقتی جبران خسارت بیمه‌گذار را خواهد نمود که کالای بیمه شده خورد و نابود شود.

معلوم است که این شرط چقدر برای بیمه‌گر خطرناک است زیرا در صورت وقوع حادثه کوچکی بیمه‌گذار تحریک میشود که حادثه را تشدید و کالای خود را خرد کند تا جبران خسارتش بعمل آید و لذا این نوع معافیت‌ها را غالباً بیمه‌گران برای خود قائل نمیشوند.

برای اینکه بیمه‌گر مسئول خسارت بیمه‌گذار باشد باید حادثه‌ای که علت خسارت شده است در مدت بیمه واقع شده باشد چه اگر حادثه قبل از عقد بوده اساساً عقد بیمه باطل است و بیمه‌گر حق مطالبه مخارج را دارد چنانکه ماده ۱۸ قانون بیمه میگوید:

**« هرگاه معلوم شود خطری که برای آن بیمه بعمل آمده است قبل از عقد قرارداد واقع شده بوده است قرارداد بیمه باطل و بی اثر خواهد بود. »**

در اینصورت اگر بیمه‌گر وجهی از بیمه‌گذار گرفته باشد عشر از مبلغ مزبور بعنوان مخارج کسر و بقیه را باید به بیمه‌گذار مسترد دارد. (۱)

۱ - قسمت اخیر ماده ۱۸ تا حدی قابل انتقاد است چه میگوید.

**« اگر بیمه‌گر وجهی از بیمه‌گر گرفته باشد غیر از مبلغ مذکور را**

**کسر و بقیه را باید به بیمه‌گذار مسترد دارد »** یعنی اگر بیمه‌گر وجهی بابت حق بیمه‌گر نگرفته باشد این حق را ندارد و این حق بیمه‌گر نسبت بمیزان وجهی که ممکن است وصول بقیه پاورقی در صفحه ۳

### بیمه از نظر حقوق مدنی

و همینطور اگر حادثه پس از خاتمه مدت بیمه واقع شده باشد بیمه گر مسئول نیست و این مطالب بقدری بدیهی است که محتاج بتوضیح و بحث نمیباشد و قانون هم خود را محتاج بذکر آن ندانسته است.

بالاخره چنانکه در مبحث خطر گفته خواهد شد بیمه گر مسئول خسارات ناشی از خطری میباشد که خطر مزبور معلول بعلتی که آن علت را بیمه گر بعهد گرفته است باشد. مثلاً در مورد بیمه از حریق هر گاه بیمه گر جبران خسارت ناشی از عیب ذاتی موضوع بیمه را تعهد نکرده بلکه فقط مسئول خسارت حریق ناشی از حادثه فوق العاده باشد وقتی ملزم بجبران خسارت بیمه گذار است که علت حریق یک حادثه فوق العاده باشد.

مطابق قانون بیمه خسارات ناشی از علل تقصیر بیمه گذار و عیب ذاتی موضوع بیمه و جنگ بعهد بیمه گر نیست چه مواد ۱۴ و ۲۰ و ۲۸ صریحاً بیان میکند: ماده ۱۴ «بیمه گر مسئول خسارات ناشیه از تقصیر بیمه گذار یا نمایندگان او نخواهد بود» و ماده ۲۰ میگوید:

«بیمه گر مسئول خساراتی که از عیب ذاتی مال ایجاد میشود نیست مگر آنکه در بیمه نامه شرط خلافی شده باشد.» و ماده ۲۸ چنین مقرر میدارد: «بیمه گر مسئول خسارات ناشیه از جنگ و شورش خواهد بود مگر آنکه خلاف آن در بیمه نامه شرط شده باشد.»

پس برای اینکه بیمه گذار بتواند مطالبه خسارت کند باید وقوع حادثه ای را که از آن متضرر شده است ثابت کند ولی ملزم نیست که علت آنرا هم اثبات نماید زیرا اصولاً اینطور فرض میشود که حوادث اتفاقی معلول بقضا و قدر و حوادث فوق العاده «فورس ماژور» بوده است و اگر بیمه گر ادعائی دارد که مثلاً بیمه گذار علت ایجاد خطر بوده و لذا طبق ماده ۱۴ مسئول خسارات نمیباشد باید مدعای خود را ثابت کند.

بیمه گذار پس از اثبات وقوع حادثه باید ثابت کند که موضوع بیمه در معرض خطر بوده است و این امر در بیمه بحری بصرف باربندی و عزیمت کشتی ثابت میگردد و بالاخره باید خسارت و میزان آنرا نیز بشبوت برساند. در این وقت مرحله انجام تعهد بیمه گر میرسد که باید جبران خسارت نماید.

در بیمه اتکائی همینکه بیمه گر اول مفاصحا حساب خود را با بیمه گذار ارائه میکند ثابت میشود که خسارت او را پرداخته است و در این مورد چنین فرض میشود که بیمه گر اول پس از اثبات مراتب فوق الذکر از طرف بیمه گذار و اقدامات و مدافعات لازم خسارت مشارالیه را جبران کرده است.

کرده باشد تغییر میکند و هر قدر بابت حق بیمه بیشتر دریافت کرده باشد بفتح او خواهد بود زیرا عشر آن زیادتر خواهد شد و بنابراین دیده میشود که علاوه بر اینکه ماده یک رویه ثابتی را اتخاذ نکرده است همیشه بیمه گر را تشویق میکند که تمام یا لاقلاً بیشتر حق را قبلاً بگیرد و هیچگاه حاضر برای ارفاق به بیمه گذار نشود.

## مبحث چهارم - میزان خسارت و طرز عمل

### قسمت یکم - میزان خسارت

در اغلب اقسام بیمه میزان تعهد بیمه گر قبلاً بطور ثابت معین نمیشود زیرا معلوم نیست که خسارت بیمه گذار بچه مبلغ بالغ خواهد گردید و علت این امر اینست که میزان خسارت نسبت بشدت و خفت خطر متغیر میباشد.

چیزی که باید همیشه در نظر داشت اینست که جبران خسارت نباید هیچگاه از خسارت واقعی بیمه گذار تجاوز کند.

این اصل از آنجا ناشی میشود که بیمه عقد جبران خسارت است و نباید وسیله تحصیل ثروت برای بیمه گذار باشد و لذا باید اصولاً میزان خسارت مساوی باشد با ضرر بیمه گذار ولی این اصل همیشه اجرا نمیگردد و مخصوصاً در بیمه بحری غالباً این میزان کمتر از خسارت بیمه گذار میباشد و علت آن چند امر است :

۱ - اگر طرفین در بیمه نامه برای بیمه گر معافیتی قائل شده باشند بدیهی است که مبلغ معافیت از خسارت حاصله کسر میگردد و لذا این امر مانع آنست که میزان جبران خسارت مساوی با خسارت واقعی گردد.

۲ - محدود بودن مسئولیت و تعیین حداکثر آن چنانکه مطابق قسمت اخیر ماده

۱۹ میگوید :

« در هر صورت حداکثر مسئولیت بیمه گراز مبلغ بیمه شده تجاوز نخواهد کرد » چه در پاره‌ای موارد بیمه گذار مبلغ بیمه شده کمتر از ارزش حقیقی موضوع بیمه ( جهت قرار از سنگینی حق بیمه ) معین میکند و بنا بر این دیده میشود که حداکثر مسئولیت او کمتر از ارزش موضوع بیمه است و نتیجه جبران خسارت کمتر از میزان واقعی خسارت بعمل میآید.

و اگر هم مبلغ بیمه شده مساوی با ارزش حقیقی موضوع بیمه معین گردیده باشد بیمه گذار مطمئن نیست که قیمت موضوع بیمه ترقی نخواهد کرد و یا مخارجی برای آن متحمل نخواهد شد چه در اینصورت هم مثل اینست که مبلغ بیمه شده کمتر از ارزش مال تعیین گردیده باشد.

۳ - در بیمه نسبی جبران خسارت نسبت به بیمه منعقد بعمل میآید نه مساوی با خسارت حاصله چیزی که مخصوصاً در بیمه های بحری خیلی متداول است و اگذاری « Delaissement » میباشد و آن این است که پس از وقوع حادثه بیمه گر موضوع بیمه را تصاحب میکند و فقط معادل مبلغ بیمه شده یا ارزش مال قبل از حادثه به بیمه گذار میپردازد و ممکن است این حق برای بیمه گر یا بیمه گذار در بیمه نامه شناخته شده باشد.

بطوریکه بعداً گفته خواهد شد اگر این حق برای بیمه گذار برقرار شود تا حدی خطرناک است چه علاوه بر اینکه علاوه بر او را بحفظ بقیه موضوع بیمه کم میکند بعضاً او را تحریک بشداید خطر مینماید و حال آنکه اگر این حق برای بیمه گر برقرار شده باشد

### بیمه از نظر حقوق مدنی

و بیمه‌گذاری که از داشتن مال معیوب اجتناب دارد حتی الامکان سعی خواهد کرد که ضرر حاصله کمتر باشد تا بیمه‌گر را راغب بتصرف و تصاحب آن بنماید این طرز عمل که به واگذاری موسوم است یک قسم جبران خسارت مخصوصی میباشد که در جای خود ذکر خواهد شد.

در بعضی مواقع وجهی که باید بیمه‌گر تأدیه کند قبلاً ثابت میگردد مثلاً در بیمه عمر یا بیمه نقص یا شکستن عضو بدن ماده ۲۳ میگوید که :

« .. مبلغ پرداختی بعد از مرگ یا نقصان عضو باید بطور قطعی در موقع عقد بیمه بین طرفین معین شود . » وجه بیمه عمر در مقابل مرگ باید بورثه بیمه شده پس از فوت او پرداخته شود مگر اینکه در بیمه نامه کس دیگری تعیین شده باشد و ماده ۲۴ قانون بیمه میگوید :

« وجه بیمه عمر که باید بعد از فوت پرداخته شود به ورثه قانونی متوفی پرداخت میشود مگر اینکه در موقع عقد بیمه یا بعد از آن در سند بیمه قید دیگری شده باشد که در این صورت وجه بیمه متعلق بکسی خواهد بود که در سند بیمه اسم برده شده است »

از این ماده معلوم میشود که ممکن است بیمه عمر را بفتح هر کس که بیمه شده بخواهد منعقد شود و همچنین بیمه شده میتواند پس از انقضای قرارداد ذینفع در سند بیمه را تغییر دهد و ماده ۲۵ مقرر میدارد :

« بیمه‌گذار حق دارد ذینفع در سند بیمه عمر خود را تغییر دهد مگر آنکه آنرا بدیگری انتقال داده و بیمه نامه را هم به منتقل‌الیه تسلیم کرده باشد . »

علت اینکه بیمه شده میتواند ذینفع در سند بیمه را تغییر دهد اینست که غالباً در مورد بیمه عمر فرض میشود که بیمه شده در مقام ابراع موضوع بیمه‌گر را بدیگری همه میکند و از آنجا که طبق ماده ۷۹۸ قانون مدنی در همه قبض مال موهوب شرط صحت است (۱) مادام که بیمه شده سند بیمه را قبض ذینفع نداده میتواند مبلغ بیمه را بدیگری انتقال دهد.

بهر حال طرز انتقال مبلغ بیمه را در بیمه عمر ماده ۲۶ چنین معین میکند :

« در تمام مدت قرارداد بیمه عمر بیمه‌گذار حق دارد وجه معینه در بیمه نامه را بدیگری منتقل نماید . انتقال مزبور باید بامضاء انتقال‌دهنده و بیمه‌گر برسد . »

بنابراین انتقالی که واجد این شرایط نباشد قانونی نخواهد بود بالاخره ماده ۲۷

میگوید :

«اثرات قانونی انتقال وجه بیمه عمر از تاریخ فوت بیمه شده شروع میشود ولی اگر بیمه گذار از آن بابت وجهی دریافت کرده یا نسبت بان با بیمه گر معامله ای کرده باشد در کمال اعتبار خواهد بود.»

### قسمت دوم - طرز جبران خسارات

فقره یکم تأدیه غرامت

جبران خسارت بیمه گذار ممکن است بطرق مختلف بعمل آید ولی دو رویه بیشتر معمول است. یکی تأدیه غرامت و دیگری واگذاری. تأدیه غرامت آنستکه بیمه گر معادل آنچه بیمه گذار متضرر گردیده در حدود مسئولیت خود باو بپردازد و این طرز عمل طریقه عادی و متداول میباشد.

طرز محاسبه غرامت در خسارت کلی و جزئی بطریقی است که ذیلاً بطور خلاصه بیان میشود :

#### الف - خسارت کلی

هر گاه خسارت بیمه گذار بطور کلی باشد یعنی تمام موضوع بیمه دچار خطر گردیده و از مالکیت خارج شده باشد بدیهی است که بیمه گر باید در صورتیکه مال تنزل قیمت پیدا نکرده باشد معادل مبلغ بیمه شده والا معادل ارزش مال بلافاصله قبل از حادثه غرامت بیمه گذار را تأدیه بنماید.

مثلاً هر گاه کشتی یک میلیون ریال ارزش داشته بدون اینکه کسر قیمتی پیدا شده باشد یک خسارت کلی بان متوجه گردد قبلاً باید دید که بیمه بطور کلی بوده یا نسبی :

اگر کلی بوده بیمه گر باید معادل تمام کشتی که مساوی با مبلغ بیمه شده است و عبارتست از یک میلیون ریال خسارت بیمه گذار را جبران نماید و اگر نسبی بوده مثلاً نصف کشتی موضوع بیمه قرار گرفته بیمه گرفتار فقط معادل پانصد هزار ریال باید به بیمه گذار تأدیه کند و خسارت نصف بقیه بخود بیمه گذار تحمیل میشود چه در حکم آنستکه او خود نسبت باین مقدار بیمه گر خویش بوده است.

حال ممکن است که ارزش موضوع بیمه در ظرف مدت بیمه تغییر کند چنانکه مخصوصاً در مورد بیمه کالا پیش میآید در اینصورت باید دید که قیمت آن در چه زمان و کدام محل باید ملحوظ گردد.

یعنی آیا باید ارزش مال را در موقع حادثه در نظر گرفت یا در ابتدائی که در معرض خطر واقع شده است. یا در مقصد ؟ ( در بیمه کالا ) ؟

غالب علماء معتقدند که ارزش یوم تلف را باید ملحوظ داشت زیرا بیمه گذار در آنروز موضوع بیمه را از دست میدهد. فرمان ۱۶۸۱ و قانون تجارت فرانسه در ماده ۳۳۹ مقرر میدارد :



بیمه از نظر حقوق مدنی

« در موردیکه موضوع بیمه قبلاً تقویم (واقعی) نشده باشد قیمت آن در زمان حمل و در همان مکان مناظ خواهد بود. »

دلیل اتخاذ این رویه اینستکه میگوید. بیمه گذار باید بوضعیت قبل از حمل اموال خود درآید و منافع احتمالی موضوع بیمه بعهد بیمه گر نمیشد و اصولاً هم منافع احتمالی قابل بیمه دادن نیست و بهر حال اعم از اینکه آن مال ترقی یا تنزل قیمت پیدا کند بیمه گر باید قیمت روزی را که در معرض خطر واقع شده است (در صورت توجه خسارت) به بیمه گذار تأدیه کند بعدها هم که درفرانسه بیمه منافع جایز شمرده شد این قاعده بقوت خود باقی ماند و علت این بود که دیدند تقویم مال درمحل وقوع خطر همیشه کارآسانی نیست و بعلاوه اگر کسی بخواهد منافع احتمالی کالايش را هم بیمه دهد باید آنرا بموجب عقدی جداگانه پوشش نماید چه ترقی قیمت مال التجاره غالباً خیلی زیاد خود میتواند موضوع عقدی باشد.

اگر برعکس موضوع بیمه تنزل قیمت فاحش کند خسارتی که بیمه گر به بیمه گذار میپردازد طبق ماده ۱۹ عبارتست از ارزش موضوع بیمه در روز تلف.

ماده ۲۳ قانون بیمه برای موارد خاصی طریقه مخصوصی اتخاذ کرده میگوید :

« در بیمه‌های ذیل خسارت باین ترتیب حساب میشود . »

۱ - در بیمه حمل و نقل قیمت مال در مقصد

۲ - در بیمه منافی که متوقف بر امری است منافی که در صورت

پیشرفت امر عاید بیمه گذار میشود . »

بطوریکه دیده میشود مطابق این بند مقنن بیمه منافع احتمالی را جایز میداند

۳ - در بیمه محصول زراعتی قیمت آن در سر خرمن در موقع

برداشت محصول

چیزیکه باید همیشه در نظر داشت اینستکه مسئولیت بیمه گر هیچوقت از مبلغ بیمه شده تجاوز نمینماید و اگر مثلاً قیمت محصول در سر خرمن بیش از مبلغ بیمه شده باشد بیمه گر مسئول مازاد نیست.

مقنن با اینکه در آخر ماده ۱۹ میگوید :

« در هر صورت حداکثر مسئولیت بیمه گر از مبلغ بیمه شده تجاوز

نخواهد کرد . »

مجدداً این مطلب را در قسمت اخیر ماده ۲۳ پس از بیان احکام مذکور فوق

تکرار میکند :

« برای تعیین میزان واقعی خسارت و حق الزحمه که در صورت

عدم وقوع حادثه بمال تعلق میگرفت از اصل قیمت کسر خواهد شد و در هر

صورت میزان خسارت از مبلغ معینه در بیمه نامه تجاوز نخواهد کرد . »

### بیمه از نظر حقوق مدنی

در بیمه از حریق مسئولیت بیمه گر عبارتست از :

۱ - خسارت وارده بموضوع بیمه از حریق اگر چه حریق در نزدیکی آن واقع شده باشد.

۲ - هر خسارت یا تنزل قیمت وارده باموال از آب یا هر وسیله دیگری که برای خاموش کردن آتش بکار برده شده است.

۳ - تلف شدن یا معیوب شدن مال در موقع نجات دادن از حریق.

۴ - خسارت وارده باموال بیمه شده در نتیجه خراب کردن کلی یا جزئی بنا بر این جلوگیری از سرایت حریق ( ماده ۲۱ )

بالاخره بطوریکه گفته شد در بیمه عمر یا نقص یا شکستن عضوی از اعضاء بدن باید میزان تعهد بیمه قبلاً در بیمه نامه معین شده باشد در سایر اقسام بیمه نیز باید مسئولیت بیمه گر در سند بیمه گر قید گردد و اگر این نکته اتفاقاً تعیین نشده باشد برای حل قضیه بنظر نگارنده باید تعرفه عادی بیمه گر را مناط تشخیص میزان تعهد او قرارداد یعنی از روی حق بیمه‌ای که بیمه گذار پرداخته است حد اکثر مسئولیت بیمه گر را معین کرد.

### ب - در خسارت نسبی

خسارت نسبی آنستکه موضوع بیمه کاملاً از بین نرفته بلکه فقط قسمتی از آن دچار حادثه شده و بقیه سالم مانده باشد در اینصورت یا بیمه کلی بوده یا نسبی اگر کلی بوده است بیمه گر باید تفاوت قیمت مال بیمه شده را در حالت سالم و معیوب به بیمه گذار تأدیه کند یعنی باید قیمت سالم مال را معین نموده و آنچه را که پس از حادثه باقی مانده است تقویم کرد تا تفاوت منظور بدست آید و بیمه گر آن تفاوت را بیول نقد به بیمه گذار ادا کند در اینجا نیز باید دید که قیمت سالم در چه زمان را باید مأخذ قرارداد.

برای رفع اشکال از طرفی میتوان اینطور گفت که هر گاه مبلغ بیمه شده از ارزش حقیقی مال تجاوز نکرده باشد این مبلغ را باید قیمت مال بیمه شده در حالت سالم دانست و نسبت بمیزان آن جبران خسارت بعمل آورد چه بیمه گذار نسبت بان مبلغ حق بیمه پرداخته و منظور او قرارداد بیمه این بوده است که خسارتی باو متوجه نگردد و از آنجا که عقود تابع قصد است اتخاذ رویه مذکور شاید بد نباشد.

و اگر ارزش حقیقی مال موقع قرار داد کمتر از مبلغ بیمه شده ولی این امر از روی عمد و قصد تقلب صورت نگرفته باشد باید ارزش حقیقی مال را در موقع قرارداد مناط دانست تا بیمه وسیله تحصیل ثروت بیمه گذار نگردد و بعلاوه منظورهای مذکور فوق هم تأمین شده باشد.

ولی از طرف دیگر میتوان گفت که عادتاً از زمان عقد تا موقع بروز حادثه مدتی فاصله است و طبیعتاً هر مالی بر اثر استعمال و مرور زمان فرسوده و کهنه میشود و بالتبعه ارزش مال در روز تلف کمتر از مبلغ بیمه شده خواهد بود و اگر قرار شود که اصل مذکور فوق را بپذیریم یعنی مبلغ بیمه شده را در هر روز مأخذ ضرر بیمه گذار قرار دهیم این امر



### بیمه از نظر حقوق مدنی

نتیجه بدی بدست میدهد چه بیمه گذار همیشه وقوع حادثه را آرزو میکند تا قیمت روز نوی موضوع بیمه را دریافت دارد لذا ممکن است این امر بمواقب سوء و خطرناکی منجر شود.

علاوه بر مراتب مزبور باید این قسمت را در نظر داشت که در حقیقت بهمان مقداریکه از قیمت مال کم میشود بیمه گذار از موضوع بیمه استفاده کرده و این استفاده برابر با مقدار استهلاکی میباشد.

مثلاً کسی که اتومبیل خود را در روز نوی بقیمت آن به بیمه میدهد بدیهی است که پس از سه سال اتومبیل مزبور به این قیمت نیارزد و بهمان مقداری که از قیمتش مستهلک شده از آن استفاده و بهره برداشته شده است و اگر بنا شود درصودت وقوع حادثه قیمت روز نوی بآن داده شود بیمه برای بیمه گذار وسیله جلب نفع شده است اینستکه قانون بیمه در ماده ۱۹ مقرر میدارد:

**« مسئولیت بیمه گر عبارتست از تفاوت قیمت مال بیمه شده بلافاصله قبل از وقوع حادثه با قیمت باقیمانده آن بلافاصله بعد از حادثه ..... »**

ماده مزبور رویه منطقی و مثبتی بدست می دهد ولی آیا در تمام موارد صرف این ماده قابل اجرا است یا نه ؟

مثلاً در موردیکه موضوع بیمه ترقی قیمت پیدا میکند آیا باید این ماده را صرفاً اجراء نمود فرض میکنیم که کسی در ده سال قبل خانه ۳۰,۰۰۰ ریالی خود را بهمین مبلغ به بیمه میدهد معلوم است که بیمه بطور کلی بوده و بیمه گر مسئولیت ۳۰,۰۰۰ ریال را در مقابل خسارت کلی بعهده گرفته و بیمه گذار نیز بتناسب این مبلغ حق بیمه پرداخته است. هر گاه فرض شود که ارزش خانه بلافاصله قبل از وقوع حادثه در سال ۱۳۱۶ ۹۰,۰۰۰ ریال باشد ( بدون اینکه بیمه گذار قبلاً بیمه گر را از ترقی قیمت موضوع بیمه مطلع کرده و مبلغ بیمه شده را تغییر داده باشد ) و پس از حادثه معلوم شود که قیمت باقیمانده خانه ۴۵,۰۰۰ ریال است آیا بیمه گر باید صرفاً طبق ماده ۱۹ برای جبران خسارت بیمه گذار ۴۵,۰۰۰ ریال تأدیه کند. بدیهی است که جواب این سوال منفی است زیرا:

اولاً بموجب قسمت اخیر ماده ۱۹ و ماده ۲۳ مسئولیت بیمه گر هیچوقت از مبلغ بیمه تجاوز نمیکند.

ثانیاً در حقیقت این امر منطبق است با ماده ۱۰ قانون بیمه که مالی کمتر از قیمت خود بیمه شده باشد و بنابراین بیمه گر فقط بنسبت مبلغی که بیمه کرده است با قیمت واقعی مال مسئول خسارت میباشد. ماده ۱۰ میگوید:

**« در صورتیکه مالی بکمتر از قیمت واقعی بیمه شده باشد بیمه گر فقط بتناسب مبلغی که بیمه کرده است با قیمت واقعی مال مسئول خسارت خواهد بود . »**

### بیمه از نظر حقوق مدنی

پس در مورد مثال فوق باید بیمه گر فقط ۱۵,۰۰۰ ریال جبران خسارت بیمه گذار را بنماید. بنا بر این باید در مورد ترقی قیمت موضوع بیمه اینطور حکم کرد که مسئولیت بیمه گر عبارتست از نسبت تفاوت سالم قبل از حادثه و معیوب بعد از حادثه با مبلغ بیمه شده توضیح آنکه در مثال مذکور که قیمت خانه به ۹۰,۰۰۰ ریال رسیده و پس از حادثه به ۴۵,۰۰۰ ریال تنزل کرده و بنابراین معادل نصف خانه دچار حریق شده است بیمه گر نیز معادل نصف مبلغ بیمه شده که عبارت است از ۱۵,۰۰۰ ریال مسئول میباشد.

پس بطور خلاصه میتوان گفت که در صورت تنزل قیمت یا عدم تغییر قیمت موضوع بیمه خسارت بیمه گذار بدون توجه بمبلغ بیمه شده عبارت خواهد بود از تفاوت سالم و معیوب و در صورت ترقی قیمت معادل است با این تفاوت بتناسب مبلغ بیمه شده.

باید متذکر بود که هر گاه قرارداد در موضوع غرامت و جبران خسارت ساکت باشد بیمه گر باید بنا بر کیفیت خسارت مطابق بشرح مذکور خسارت بیمه گذار را طبق ماده ۱۹ بیول نقد جبران نماید.

چه گاهی ممکن است که بین طرفین اینطور مقرر شود که بیمه گر عوض موضوع بیمه را تهیه کرده به بیمه گذار تسلیم نماید و یا اینکه همان موضوع بیمه را تعمیر و ترمیم نموده با و رد کند که در هر دو حال باید بیمه گر این امر را در ظرف مدتی که عادتاً کمتر از آن نمیشود انجام کرد عمل نماید و در صورتیکه بیمه گر موظف بتعمیر باشد مدت تعمیر نیز جزء مدت بیمه حساب خواهد شد و اما در مورد تهیه عوض و باید عوض سالم رد نماید و در حقیقت مسئولیت آنرا دارد - ماده ۱۹ مقرر میدارد:

« .. خسارت حاصله بیول نقد پرداخته خواهد شد مگر اینکه حق تعمیر یا عوض آن برای بیمه گر در سند بیمه پیش بینی شده باشد در این صورت بیمه گر ملزم است موضوع بیمه را در مدتی که عرفاً کمتر از آن نمیشود تعمیر کرده یا عوض را تهیه و تحویل نماید. »

در بعضی موارد بیمه گذار قبل از آنکه جبران خسارتش بعمل آید خود بتعمیر موضوع بیمه میپردازد و این عمل مخصوصاً در مورد بیمه کشتی پیش میآید.

مثلاً کشتی در بین راه خراب میشود. مدیر کشتی ناچار برای راه انداختن آن آنرا تعمیر میکنند در اینحال باید بیمه گر خسارت بیمه گذار را جبران نماید یعنی اگر بیمه کلی بوده معادل تمام مخارج تعمیر و اگر نسبی بوده بنسبت آن خسارت بیمه گذار را جبران مینماید.

در اینجا میگویند بیمه گذار با تعمیر موضوع بیمه:

اولاً کشتی فرسوده خود را نو کرده و نتیجه نفعی از بیمه عایدش شده است.

ثانیاً لوازم اسقاطی که بر اثر تعمیر باقی مانده است شاید خود دارای قیمتی باشد و لهذا باید این دو مبلغ از میزان خسارت کسر گردد.

بالاخره در اینمورد اینطور تصمیم گرفته اند که معمولاً تا یک حدی قابل صرف نظر

بیمه از نظر حقوق مدنی

کردن میباید مثلاً هرگاه مجموع قیمت لوازم اسقاطی و اختلاف نو و کهنگی بیمیان یک درصد باشد باید بیمه گر از آن صرفنظر نماید والا از میزان جبران خسارت کسر گردد و تعیین این نسبت را بقرارداد طرفین واگذار نموده اند.

### فقره دوم واگذاری « Delaisrement »

گاهی در بیمه نامه برای بیمه گذار حق واگذاری برقرار میشود بدین ترتیب که مثلاً هرگاه خسارت متوجه موضوع بیمه بیش از  $\frac{3}{4}$  مبلغ بیمه شده باشد بیمه گذار حق دارد اساساً موضوع بیمه را به بیمه گر واگذار نموده و معادل تمام مبلغ بیمه شده از او مطالبه نماید و گاهی این حق برای بیمه گر برقرار میشود که مثلاً در فلان مورد بیمه گر حق تصاحب موضوع بیمه را دارد.

در اینصورت باید بیمه گر معادل مبلغ بیمه شده به بیمه گذار وجه تأدیه نماید این طرز عمل یک طریقه غیر عادی بوده و فقط در موارد خاصه ای که مجوز مخصوص باشد قابل اجرا است.

### موارد واگذاری « delairrement »

قانون بیمه مواردی برای واگذاری یا تصاحب معین نموده است بنابراین در هر مورد که قرارداد طرفین آنرا پیش بینی کرده باشد بنا بر میل صاحب حق قابل اجراء میگردد قانون تجارت فرانسه علاوه بر تراضی طرفین در مواد ۳۶۹ و ۳۷۰ مواردی را ذکر میکند که در این موارد حق واگذاری قانوناً برای بیمه گذار وجود خواهد یافت ولی بنا بر قول دانیل وانژون « danil danjen » مواد فوق الذکر موجب اختلافات بسیار میگردد:

زیرا از طرفی قانون خیلی صریح نیست و از طرف دیگر تطبیق موارد با موضوع همیشه کار آسانی نمیباشد و لذا بیمه نامه های فرانسوی در بیمه بحری حتی الامکان موارد واگذاری را محدود میکنند و مواردی را هم که قبول میکنند غیر قابل بحث و توسعه میباشد.

قانون تجارت فرانسه در مواد فوق الاشعار موارد هفتگانه واگذاری را که ذیلآ بیان میشود معین میکند :

۱ - تصاحب مال بیمه شده از طرف دشمن یا دزدان دریائی - در اینجا بحث است که اگر بیمه گذار موضوع بیمه را از غاصب خریده باشد میتواند از بیمه گر مطالبه بیمه شده را بنماید یا خیر ؟

عقیده علماء بر اینستکه عمل باز خرید او هم ارتباطی با حق واگذاری تحصیل شده ندارد ولی چون ممکن است بیمه گذاران مال را با قیمت خیلی ارزانتر از ارزش آن یا مبلغ بیمه شده بدست آورده و بالنتیجه نفعی عائدش گردد قانون برای بیمه گر این حق را قائل شده که یا باز خرید را قبول کرده و تمام مبلغ بیمه شده را باستثناء قیمت باز خرید باو تأدیه نماید که در اینصورت خطرات متوجه بمال مزبور از تاریخ باز خرید ببعده بیمه گر

## بیمه از نظر حقوق مدنی

خواهد بود و با اینکه باز خرید را قبول ننماید و فقط وجوهی که بیمه گذار بخواصیب داده باو رد کند و خطرات متوجه بمال را بعهده بگیرد و ماده ۳۹۱ قانون تجارت فرانسه میگوید :

« هرگاه بیمه گر در ظرف ۲۴ ساعت از تاریخ اظهار بیمه گذار تکلیف این امر را معین ننماید در حکم اینستکه واگذاری را قبول کرده است.»

باید دانست که تصاحب یک مال فقط حق واگذاری را برای آن مال بخصوص ایجاب میکند یعنی اگر کالائی تصاحب شده باشد مورد برای واگذاری کشتی حامل آن ایجاب نمیگردد.

۲ - غرق موضوع بیمه موجب واگذاری است ولی چون قانون غرق را تعریف نکرده و این کلمه خیلی مبهم است اختلافات زیادی حادث شده و لذا در موقعی که کالائی را از کشتی غریق نجات داده اند واگذاری مزبور صورتی ندارد.

۳ - شکستن و خرد شدن قسمتی از کشتی که بدون آن قسمت کشتی نتواند در دریا حرکت کند.

۴ - غیر قابل دریانوردی کشتی که بر اثر حوادث دریا باشد.

۵ - خرابی یا فساد موضوع بیمه در صورتیکه لا اقل شامل  $\frac{1}{4}$  آن باشد. در اینصورت بدیهی است که حتماً نباید کشتی مثلاً خراب شده بلکه اگر بکلی مفقود شود این امر نیز موجب واگذاری است مقصود از خرابی یا فساد لا اقل سه ربع آنستکه آنچه از مال باقی مانده بیش از ارزش یک ربع آن نیرزد.

برای اینکار ناچاریم دو قیمت سالم و معیوب را تشخیص دهیم و جهت این تشخیص مبلغ بیمه شده قیمت سالم فرض میشود و قیمت معیوب را با تخمین مقومین یا فروش یا حراج معین میکنند.

۶ - عدم اطلاع از کشتی از روز حرکت و یا روز آخرین اطلاع تا ۶ ماه برای مسافرتها نزدیک و یک سال برای مسافرتها دور.

در اجراء این قاعده ممکن است مشکلاتی پیش آید چنانکه هرگاه عقدی پس از انقضاء مدت ۶ ماه یا یکسال مقرر منعقد شود در اینصورت دیده میشود که بیمه گذار چند روز پس از امضاء قرارداد و تقاضای واگذاری خواهد نمود.

قانون فرانسه اثبات نرسیدن خبر را بعهده بیمه گذار محول کرده ولی از نظر آنکه اثبات یک امر منفی کار دشواری است قانون اظهار او را اصل قرار داده و میگوید بیمه گر باید خلاف آنرا ثابت کند.

۷ - توقیف از طرف قوای دولتی خواه توقیف از طرف دولت فرانسه یا سایر دول باشد و مدت توقیف را قانون اینطور معین کرده که حق واگذاری بر اثر توقیف ایجاب نمیگردد مگر پس از گذشتن ششماه هرگاه کشتی در دریا های اروپا توقیف شده باشد و یک

### بیمه از نظر حقوق مدنی

سال هر گاه توقیف در خارج از آن حدود باشد و این مدت برای کالای فاسد شدنی یک ماه و نیم و سه ماه ملحوظ میگردد ( ماده ۳۷۷ قانون تجارت فرانسه ).

مطابق قانون فرانسه بیمه گذاری که میخواهد از حق واگذاری استفاده نماید باید مراتب را بموجب اظهار نامه رسمی بیمه گر اطلاع دهد.

تمام قوانین بحری بیمه گذاری را که به بیمه گر خود واگذاری را اعلام مینماید موظف میکنند که او را از سایر معاملات بیمه یا فرض های از ترس حوادثی که برای موضوع واگذاری کرده است مطلع سازد چه ممکن است این امور مانع واگذاری باشد.

مثلاً موضوع بیمه در دو جا بیمه شده بوده است در این صورت اگر این عمل از روی عمد و سوء نیت عمل انجام نگرفته باشد فقط بیمه دومی اساساً باطل بوده و موردی برای واگذاری باقی نماند.

پس از آنکه بیمه گذار براتب واگذاری را به بیمه گر بموجب اظهار نامه رسمی اطلاع داد برای اینکه واگذاری قطعی شود باید بیمه گر رضایت باین امر داده باشد یعنی مورد را موجب این حق بداند والا بیمه گذار در محاکم عدلیه اقامه دعوی نموده تا رأی قطعی صادر گردد.

از آنجا که واگذاری بیک امر استثنائی است باید محدود باشد و لذا غالباً قرار داد طرفین مهلتی را معین میکنند که در ظرف آن مهلت بیمه گذار میتواند تقاضای واگذاری نماید و مطابق ماده ۳۷۳ قانون تجارت فرانسه هر گاه این مدت معین نشده باشد بیمه گذار در ظرف شش ماه از تاریخ اطلاع یافتن از حادثه ای که موجب واگذاری شده ( اگر حادثه در دریاهای اروپا باشد ) و یکسال تا ۱۸ ماه ( هر گاه حادثه در دریاهای دور باشد ) میتواند از این حق استفاده کند و گر نه واگذاری قبول نیست.

بالاخره در مورد واگذاری باید دانست که چون این عمل در حقیقت انتقال موضوع بیمه است لذا باید از طرف بیمه گذار مالک بعمل آید و یا از طرف بیمه گذاری که این حق را از طرف مالک داشته باشد.

همچنین واگذاری باید کلی بوده و نمیتواند نسبی باشد یعنی بیمه گذار نمیتواند قسمتی از موضوع بیمه را به بیمه گر واگذار نموده و بقیه آنرا خود تصاحب کند. در واگذاری باید بیمه گذار حقوقی که ممکن است نسبت باشخص ثالث داشته باشد به بیمه گر انتقال دهد مثلاً اگر فقدان یا فساد یا خرابی بر اثر تقصیر اشخاص ثالثی باشد و بیمه گذار حق تعقیب آنها را داشته باشد این حق عیناً به بیمه گر منتقل میشود و ماده ۳۰ قانون بیمه مقرر میدارد :

« بیمه گر در حدودی که خسارت وارده را قبول یا پرداخت میکند در مقابل اشخاص ثالث که مسئول وقوع حادثه یا خسارت هستند قائم مقام بیمه گذار خواهد بود و اگر بیمه گذار اقدامی کند که منافی با عقد مزبور باشد در مقابل بیمه گر مسئول شناخته میشود. » بنا بر این واگذاری دارای دو نتیجه ذیل میباشد.

## بیمه از نظر حقوق مدنی

- ۱ - بیمه‌گر باید خسارتی معادل مبلغ بیمه شده به بیمه‌گذار تأدیه نماید.
- ۲ - بیمه‌گر نسبت به تمام حقوق بیمه‌گذار در موضوع مال واگذار شده قائم‌مقام بیمه‌گذار میگردد.

بالاخره بطوریکه گفته شد طرز جبران خسارت را قرارداد طرفین معین میکند و بیمه‌گر باید طبق تعهد خود رفتار نماید مثلاً بیمه‌گر متعهد میشود که پس از وقوع حادثه معادل خسارت بیمه‌گذار با وجه نقد بپردازد یا موضوع بیمه را تعمیر و ترمیم کند و یا اینکه آنرا عوض نماید و هرگاه این قسمت در بیمه‌نامه معین نشده باشد بیمه‌گر باید خسارت را بپول نقد تأدیه کند - ( ماده ۱۹ )

بدیهی است که هرگاه در بیمه‌نامه مقرر شده باشد که بیمه‌گر باید موضوع بیمه را تعمیر یا ترمیم نماید و او حاضر برای انجام این امر نگردد طبق ماده ۲۳۸ قانون مدنی باید موضوع بیمه بخرج بیمه‌گر تعمیر گردد - ماده مزبور میگوید :

« هرگاه فعلی در ضمن عقد شرط شود و اجبار ملتزم بانجام آن غیر مقدور باشد حاکم میتواند بخرج ملتزم موجبات آن فعل را فراهم کند . »

ماده ۲۷ قانون مزبور مقرر میدارد :

« متعهد له را نمیتوان مجبور نمود که چیز دیگری بغیر از آنچه که موضوع تعهد است قبول نماید اگرچه آن شئی در قیمت معادل یا بیشتر از موضوع تعهد باشد . »

## قسمت سوم - تأدیه خسارت

اصولاً بمحض اینکه بیمه‌گذار حق مطالبه خود را ثابت نماید باید خسارتش را بیمه‌گر جبران کند ولی گاهی در بیمه‌نامه مهلتی برقرار میشود که بیمه‌گر در ظرف آن مدت خسارت را بپردازد.

اگر بیمه‌گر نسبت با دعای بیمه‌گذار اعتراض داشته باشد این امر بتأخیر میآید ولی چون طبق فقرة ۹ قانون تجارت بیمه یکی از معاملات تجاری است لذا مطابق مقررات قانون تجارت برای اینکه از تأخیر جبران خسارت ضرری متوجه بیمه‌گذار نشود حکم محکومیت بیمه‌گر قابل اجراء موقت میباشد.

بطوریکه گفته شد هرگاه یک مال نزد چند بیمه‌گر بیمه شده باشد در صورت وقوع حادثه بیمه‌گران مسئولیت تضامنی ندارند و ماده ۹ قانون میگوید :

« در صورتیکه مالی بکمتر از قیمت بیمه شده باشد نسبت به بقیه قیمت میتوان آنرا بیمه نمود در اینصورت هر یک از بیمه‌گران به نسبت مبلغی از مالی که بیمه کرده است مسئول خواهد بود . »



### بیمه از نظر حقوق مدنی

خسارت باید به بیمه گذار یا وکیل او یا کسی که قائم مقام او میباشد مانند ورثه منتقل الیه تأدیه گردد.

بنابر این کسی که مطالبه خسارت مینماید باید سمت خود را ثابت کند تا مستحق آن گردد و اگر نامه بدون ذکر اسم باشد خسارت بکسی پرداخته میشود که بیمه نامه را در دست دارد.

در صورتیکه موضوع بیمه ارثاً بکسی منتقل شده باشد باید وارث این سمت خود را ثابت کند و بیمه گر پس از اثبات وراثت و انحصار آن ملزم بچبران خسارت آن میباشد.

کسی که بعنوان وکالت مطالبه خسارت میکند باید ثابت کند که حق اخذ آنرا دارد و این حق را باید جداگانه تحصیل نماید یعنی وکالت مطالبه برای اخذ خسارت کافی نمیشود.

بالاخره پس از آنکه بیمه گر خسارت را جبران کرد بطوریکه سابقاً هم گفته شد در مقابل اشخاصی که مسئول وقوع حادثه یا خسارت میشوند قائم مقام بیمه گذار میشود و لذا میتواند اشخاص مزبور را طبق مقررات مواد ۳۲۸ و ۳۲۹ و ۳۳۰ و ۳۳۱ و ۳۳۲ و ۳۳۳ و ۳۳۴ و ۳۳۵ قانون مدنی در تحت عنوان و تسبیب تعقیب نماید و خسارتی را که به بیمه گذار پرداخته است مطالبه نماید.

بیمه گذار مطابق ماده ۲۰ قانون بیمه باید مدارک و اسنادی که جهت بیمه گر لازم میباشد برای مطالبه خسارت جمع آوری کرده و باو تسلیم نماید و علاوه بر ماده ۲۰ قانون بیمه شرایط عمومی بیمه حمل و نقل شرکت سهامی ایران در قسمت ماده ۱۴۵ بیمه گذار را موظف بر این کار کرده است. هر گاه بیمه گذار در انجام این تکلیف قانونی کوتاهی کند در مقابل بیمه گر مسئول خواهد بود چنانکه قسمت اخیر ماده ۲۰ میگوید:

«... و اگر بیمه گذار اقدامی کند که منافی با عقد مزبور باشد

در مقابل بیمه گر مسئول شناخته میشود.»

علت اینکه این حق را برای بیمه گر شناخته اند و بیمه گذار پس از آنکه خسارتش از طرف او جبران گردید نمیتواند بمسبب مراجعه نموده از او نیز مطالبه خسارت کند اینست که اگر خلاف این مقرر میگردد و خسارت بیمه گذار از دو طرف جبران میشد بیمه برای او وسیله تحصیل ثروت میبود و از طرف دیگر در حقیقت خسارت به بیمه گر وارد آمده و او از عمل شخص ثالث متضرر شده است و لذا باید خسارتش جبران گردد علاوه از علماء با این رویه مخالف بوده میگویند:

بیمه گری که نتیجه یک ضرر احتمالی را بعهده گرفته نباید حق مطالبه خسارت داشته باشد و بعلاوه وجهی که او به بیمه گذار میپردازد از سرمایه خودش نمیشود بلکه از وجوهی است که تدریجاً از او و سایر مشتریان خود برای همین مصرف مأخوذ داشته است.

### بیمه از نظر حقوق مدنی

ولی این عقیده مردود است چه درمقابل عده دیگر میگویند اگر تمام ضررهای احتمالی را باید از این وجوه تأدیه کند ممکن است که خسارت زیادی پیش آید که از حد پیش‌بینی شده تجاوز نماید و نتیجتاً بیمه‌گر نتواند تمام تعهدات خود را انجام نماید و روی همین نظر مقنن در ماده ۳۰ بیمه‌گر را قائم‌مقام بیمه‌گذار دانسته و این حق را برای او قائل گردیده است.

بیمه‌گر فقط میتواند تا حدی که جبران خسارت بیمه‌گذار را نموده است از مسبب ضرر مطالبه خسارت کند و لذا در بیمه نسبی بیمه‌گر تا حدی که به بیمه‌گذار داده است از مسئول مطالبه خسارت میکند و بیمه‌گذار نسبت به بقیه خسارت یعنی آنچه که از طرف بیمه‌گر جبران نشده و بعهد او بوده است بشخص مزبور مراجعه خواهد کرد.

در اینجا باید متذکر بود که هر گاه بیمه‌گذار نسبت به تمام خسارت را سبب از مسبب ضرر مطالبه غرامت نماید و خسارتش جبران شود دیگر حق مراجعه به بیمه‌گر را نخواهد داشت.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی